

لنا یانسن^۲

پس از ۱۱ سپتامبر، در آسیای مرکزی تبدیل چالشهای داخلی به امنیتی اهمیت بیشتر کسب کردند. رویدادهای بهار ۲۰۰۲ در قرقیزستان نشان داد چگونه ثبات غیرواقعی در برهه‌هایی مورد آزمایش قرار می‌گیرد هنگامی که نارضایتی عمومی به مخالفتها و تظاهرات تبدیل می‌گردند. شرایط اقتصادی - اجتماعی خطری اصلی محسوب می‌گردد و نارضایتی کانالی برای هدایت در جهت رادیکالیسم اسلامی می‌باشد. در سه کشور آسیای مرکزی (ازبکستان - تاجیکستان - قرقیزستان) حزب‌التحریر در حال رشد است. پاسخ به اسلام‌گرایی افراطی فقط از طریق همکاری بین‌المللی در زمینه‌های نظامی، سربازان مرزی، پلیس، نیروی اطلاعاتی مقدور نیست؛ همچنین کمک بین‌المللی برای توسعه اقتصادی و دموکراتیک نمودن نیز باید در برنامه قرار گیرد. فقط مداخله بیشتر سازمانهای بین‌المللی، بانکها و دولتهای خارجی قادر است این کشورها را در دوره‌ای از توسعه اقتصادی قرار دهد و آنها را به جهت نفع تمامی آسیای مرکزی ثبات بخشد. در این مقاله بررسی می‌شود که تحولات آسیای مرکزی و کاهش نفوذ روسیه عوامل تعیین‌کننده برای تصمیم‌گیری در آسیای مرکزی هستند.

۱. مقدمه

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و این واقعیت که رئیس‌جمهور پوتین موافقت کرد تا ایالات متحده طی عملیات نظامی در افغانستان از قلمرو فضایی و فرودگاهها در کشورهای آسیای مرکزی استفاده نماید یک وضعیت کاملاً جدید در آسیای مرکزی ایجاد نمود. در سال ۱۹۹۹، ولادیمیر پوتین مبارزه ضد تروریستی در آسیای مرکزی را در رأس دستور کار روسیه در این منطقه قرار داد. این امر ابتکاری در جهت گردآوری کشورهای آسیای مرکزی در کنار روسیه و مقابله با مداخله خارجی محسوب می‌گردد.^(۱)

1. Russia and Central Asia: Post - 11 September, 2001

۲. دکتر لنا یانسن (Lena Jonson) محقق ارشد مؤسسه سوئدی امور بین‌الملل (Swedish Institute of International Affairs) می‌باشد. این مقاله از نشریه سوئدی *Central Asia and the Caucasus*، شماره ۱، سال ۲۰۰۳، توسط آقای قاسم ملکی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

به واسطه این تصمیم در سپتامبر ۲۰۰۱ و اجازه دادن به حضور نظامی آمریکا و متحدانش، روسیه در مبارزه ضد تروریستی نقشی درجه دوم را ایفا نمود.

مداخله آمریکا در منطقه به طور جدی روندهایی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ رشد پیدا کرده بودند را شتاب داد: کاهش نفوذ روسیه؛ مداخله خارجی بیشتر آمریکا و جستجویی فعال برای یافتن شرکای خارجی از جانب کشورهای آسیای مرکزی.

تمرکز این مقاله، بررسی تلاشهای روسیه جهت مواجهه با این وضعیت می باشد. هدفهای سه گانه عبارتند از: ارائه روندهای سیاست روسیه در آسیای مرکزی؛ تجزیه و تحلیل رشد قوای محرکه امنیتی اصلی منطقه و نفوذشان بر موقعیت و سیاست روسیه؛ بررسی چشم اندازهای آینده روسیه در منطقه. تأکید بر مورد تاجیکستان به واسطه این که نزدیکترین متحد روسیه در آسیای مرکزی از اواخر دهه ۱۹۹۰ محسوب می گردد بسیار سودمند است.

از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، آسیای مرکزی به دو لحاظ استراتژیک و امنیتی مورد نگرانی روسیه بوده است. تاجیکستان و ازبکستان، واقع شده در امتداد مرزهای افغانستان و بسیار آسیب پذیر از حوادث جاری در این سرزمین، به واسطه مجموعه ای پیچیده از وابستگی های امنیتی از لحاظ مرزی نسبت به یکدیگر مسدود می باشند. تاجیکستان که پس از جنگ داخلی ۱۹۹۷-۱۹۹۲ از لحاظ سیاسی شکننده و ضعیف باقی ماند به متحد اصلی روسیه در آسیای مرکزی تبدیل شد. ازبکستان از بیم اصول گرایان اسلامی، تنشهایی را در منطقه به ویژه در رابطه با تاجیکستان و قرقیزستان ایجاد نمود. هنگامی که ازبکستان بتدریج همکاری امنیتی با روسیه را متوقف نمود و سرانجام در آوریل ۱۹۹۹ از «پیمان امنیت دسته جمعی»^۱ خارج شد و همکاری خود را با آمریکا گسترش داد نگرانی استراتژیک روسیه نیز افزایش یافت. سقوط رژیم طالبان تهدید خارجی نسبت به کشورهای آسیای مرکزی را کاهش داد و باعث ارتقای وضعیت امنیت عمومی در منطقه شد. با این حال، این امر به عنوان چالشی برای سیاست روسیه مطرح گشت. هنگامی که آمریکا رهبری بازسازی افغانستان را به عهده گرفت و

1. The Collective Security Treaty (CST)

همکاری امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی به عنوان بخشی از برنامه ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم را توسعه داد روسیه کنار گذاشته شد. در مواردی، آمریکا وظیفه کنترل نیروهای محرکه امنیتی را به عهده گرفت. در حالی که آمریکا شرایط امنیتی عمومی را در منطقه ارتقا می‌داد موقعیت ژئواستراتژیک روسیه پیچیده‌تر شد.

همراه با سقوط رژیم طالبان، اکنون مشکلات داخلی فراروی کشورهای آسیای مرکزی است. حمایت خارجی از افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی کاهش پیدا نموده و منابع داخلی افراط‌گرایی و رادیکالیسم همچنان در منطقه آسیای مرکزی باقی است؛ آن زمینه‌ها نتیجه اوضاع اقتصادهای کشورهای آسیای مرکزی می‌باشند: شرایط اجتماعی - اقتصادی حاد و جدی، استفاده غیرمنطقی از زمین و آب، میزان جمعیت، منازعات ملی و نژادی، نزاعهای مرزی، موانع تجاری و عبور و مرور از مرزها، فساد گسترده، تهدید افراط‌گرایی اسلامی اولین و مهمترین تهدید نظامی نیست در حالی که ریشه‌های آن شرایط اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - روانی می‌باشد.

اوضاع بعد از ۱۱ سپتامبر وظایف جدیدی را در سیاست روسیه مطرح نمود. اگر در آینده روسیه علاقمند به ایفای نقش مهمتری در مسایل امنیتی آسیای مرکزی است باید ثابت کند برای کشورهای آسیای مرکزی مفید می‌باشد در حالی که دیگر بازیگران خارجی آماده ارائه کمک هستند. چندین قدرت خارجی و سازمانهای بین‌المللی در آسیای مرکزی در تعاملند و دولتهای منطقه جهت افزایش ارتباطهایشان با دنیای خارج بسیار فعالتر شده‌اند. این وضعیت جدید وظایف بیشتری را در مورد سیاستهای یک بازیگر فعال مطرح می‌نماید که سعی دارد حرفی برای گفتن در منطقه داشته باشد. در این شرایط جدید، روسیه باید به یک متحد مثل تاجیکستان و دیگر کشورهای منطقه ثابت کند بازیگری شایسته و مفید است اگر همکاری نزدیک و نفوذ مؤثر مورد نظرش می‌باشد. در حالی که روابط نزدیک روسیه و تاجیکستان ممتاز بود دوام این روابط نمی‌تواند در بلندمدت نیز مورد انتظار باشد. فقط حکومتها و سازمانهایی که می‌توانند دولتهای آسیای مرکزی را در مقابل تهدید افراط‌گرایی یاری نمایند نقشی را برای

حفظ امنیت خود در آینده در منطقه ایفا می‌کنند. پاسخ روسیه به وضعیت جدید چگونه است؟ وضعیت جدید بر روابط تاجیکستان - روسیه چه آثاری دارد؟

سیاست جدید پوتین در آسیای مرکزی انتقادهایی را در داخل روسیه مطرح نمود. در حالی که از بخشهای حکومتی انتقادی نبود مباحث و گفتگوها در وسایل ارتباط جمعی و پارلمان فراوان بوده و به درازا کشید. شرایط جدید این سؤال را مطرح کرد که آیا تغییر سیاست روسیه در آسیای مرکزی تداوم دارد یا این که یک حرکت موقتی است. روسیه در آینده چه سیاستی را اعمال خواهد کرد؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است مسیر نیروهای محرکه امنیتی در آسیای مرکزی را بشناسیم.

بخش دوم این مقاله پیش‌زمینه‌های اجتماعی سیاست پوتین در ۱۹۹۹ در آسیای مرکزی را روشن می‌سازد. بخش سوم، سیاست روسیه را در منطقه آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تشریح کرده و در بخش چهارم مبحث دورنماهای سیاست روسیه در منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. پیش‌زمینه: دستور کار ضد تروریستی پوتین طی ۲۰۰۱-۱۹۹۹

پس از فروپاشی شوروی، رئیس‌جمهور یلتسین و حکومت روسیه گرفتار مواجهه با اولویتهای جدیدی شدند و بنابراین در مورد روابط با کشورهای آسیای مرکزی منفعل گشتند. تاجیکستان تقاضایی را مطرح کرد و در این زمینه روسیه خود را موظف به پایان جنگ شهری تاجیکستان دانست.^(۲) با این که حکومت روسیه در مورد وضعیت امنیتی و استراتژیک آسیای مرکزی بسیار نگران شد با این حال، روسیه سیاستی برای مواجهه با شرایط جدید نداشت. یلتسین اگرچه قادر به پایان جنگ داخلی تاجیکستان شد ولی نتوانست موقعیت امنیت کلی در منطقه را ارتقا دهد و موفق نشد با نفوذ مخرب از افغانستان مقابله نماید. روسیه جداً نگران رشد مداخله قدرتها به ویژه آمریکا در آسیای مرکزی بود.

دست‌اندازی نظامی از طرف رزمندگان جنبش اسلامی ازبکستان^۱ در اوت ۱۹۹۹ به منطقه باتکن^۲ در قرقیزستان - به موازات هجوم نظامی مبارزان چچن به داغستان در همان ماه - فضا را برای اتخاذ سیاست جدید از طرف رهبری جدید روسیه مهیا نمود. پوتین با دستور کار جدید ضد تروریستی مصوب ۱۹۹۹ موضوع آسیای مرکزی و با تمرکز بر بسط نگرانی در میان رهبران این کشورها جهتی روشن بخشید. در ۲۰ و ۲۱ ژوئن، پس از ماهها تدارک، جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برنامه‌ای برای مبارزه با تروریسم بین‌الملل و دیگر اشکال افراط‌گرایی تدوین کرد و تصمیم به ایجاد مرکز مبارزه ضد تروریستی اتخاذ نمود.^(۳) عکس‌العمل پوتین به تروریسم و افراط‌گرایی منحصر به مشی نظامی - امنیتی بود و پیمان امنیت دسته جمعی ابزار اصلی برای اعمال سیاست روسیه گشت.

برنامه ضد تروریستی شامل هماهنگی و تناسب قوانین ملی در مورد تروریسم و دیگر اشکال افراط‌گرایی، پروژه‌های تحقیقی مشترک و تبادل اطلاعات می‌شود. وظایف مرکز ضد تروریستی مذکور که در دسامبر ۲۰۰۰ تصویب گشت شامل ایجاد یک بانک اطلاعاتی کامل برای سرویس‌های ویژه امنیتی و هماهنگی اقدامات «بخش‌های صلاحیت‌دار»^۳ دولتهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود.^(۴) اجلاس اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در ابروان در مه ۲۰۰۱ تصمیم گرفت یک نیروی واکنش سریع ۱۵۰۰ نفری از کشورهای روسیه، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان سامان دهد. نیروی واکنش سریع مورد نظر در بهار ۲۰۰۲ در پایگاه‌های تفنگداران موتوریزه روسی مستقر در تاجیکستان فراهم آمد. موضوع تروریسم بهانه‌ای برای روسیه جهت مشروعیت بخشیدن به تمایل این کشور به همگرایی نظامی نه فقط در آسیای مرکزی بلکه در تمامی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود. در نشست شورای وزرای دفاع CIS در مه ۲۰۰۱ (باکو)، سرگئی ایوانوف وزیر دفاع روسیه پیگیری یک «سیاست واحد دفاعی» برای تمامی کشورهای CIS در زیر پرچم مبارزه با تروریسم را پیشنهاد کرد. او اعلام داشت که تمامی کشورهای CIS با تهدیدهای تروریستی از

1. The Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

2. Batken

3. Competent Bodies

نوع ماهیت یکسان مواجهه بوده و این کشورها آمادگی کامل جهت مواجهه با آن را دارند؛ اما پیشنهاد وی موفقیتی کسب ننمود. (۵)

تأکید پوتین بر مبارزه ضد تروریستی ابزاری برای قادر ساختن کشورهای آسیای مرکزی جهت پیوستن به همکاری دسته جمعی به رهبری روسیه بود. در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ روسیه مواجهه با تهدید افغانستان متوجه مرزهای آسیای مرکزی بود. روسیه بتدریج اهرم کنترل را از دست داد در حالی که سعی در حمایت از کشورهای آسیای مرکزی در مقابل طالبان داشت با افزایش دخالت در افغانستان بر آن بود تا از پاکستان را در چارچوب همکاری امنیتی CIS جا داده و تاجیکستان را همچنان زیر نفوذ خود نگهدارد.

حضور نظامی روسیه در تاجیکستان مانعی در مقابل تهدیدهای خارجی محسوب می‌شد؛ قبل از همه از جانب افغانستان ولی از طرف دیگر حضور نظامی روسیه از پاکستان را از به کار بردن زور علیه تاجیکستان منع می‌کرد. روسیه نمی‌توانست از پاکستان را از انجام اقدامات یکجانبه علیه آنچه که قبلاً تهدیدی از طرف افراطیون مطرح بود و از تاجیکستان برای عبور و مرور استفاده می‌کردند باز دارد. در سپتامبر ۲۰۰۰، به بهانه تحرکات و دست‌اندازی مبارزان جنبش اسلامی از پاکستان، از پاکستان لزوم صدور روایت را وضع کرد و موانع را در مورد مردم و کالاهای وارده از تاجیکستان سخت‌تر نمود. این امر برای تاجیکستان که برای راههای خروجی به از پاکستان وابسته بود تنبیه سختی بود. در اواخر سپتامبر ۲۰۰۱ موانع بیشتری برای عبور از مرز تاجیکستان وضع گشتند و بیشتر نگهبانی‌های مرزی در طول مرز از پاکستان و تاجیکستان بسته شدند. در سال ۲۰۰۰، از پاکستان مرز خود را با تاجیکستان و قرقیزستان به واسطه تهدید مبارزان جنبش اسلامی از پاکستان مین‌گذاری کرد. تا پایان تابستان سال ۲۰۰۰ تقریباً ۶۰ شهروند تاجیک به علاوه شماری از شهروندان قرقیز و ازبک به لحاظ انفجار مین کشته شدند. تصمیم یکجانبه از پاکستان در روابطش با تاجیکستان و قرقیزستان تنش ایجاد نمود؛ همسایه کوچکتر از از پاکستان بیم داشت. همانطور که مفسر روسی اظهار نموده حضور نظامی روسیه و حمایت از تاجیکستان نیز در گرایش متوازن از پاکستان به برتری جویی در منطقه تأثیر داشت. تاجیکستان همچنان شکننده باقی ماند.

دستور کار ضد تروریستی پوتین در سال ۱۹۹۹ تلاشی مصمم جهت ارتقای نقش روسیه در آسیای مرکزی و تأمین شرایط امنیتی بود. تا سپتامبر ۲۰۰۱ این تلاش با موفقیت روبرو نگشت و ازبکستان به دیدگاه‌های روسیه نزدیک نشده بود. شرایط امنیتی منطقه حاد، و روسیه نفوذ خود را بر منطقه از دست داده بود. تاجیکستان یک موقعیت کلیدی در مبارزه علیه تروریسم، افراط‌گرایی اسلامی و رژیم طالبان در کابل به دست آورده بود.

۳. دستور کار گسترده ضد تروریستی پوتین پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

پس از حملات تروریستی به آمریکا، پوتین در مکالمه تلفنی با جرج بوش همدردی خود را با وی و حق وی برای مجازات و تنبیه متجاوز و تروریستها از جمله اسامه بن لادن و سازمان القاعده و رژیم طالبان افغانستان را اعلام کرد. در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۱، روسیه و ناتو طی صدور یک بیانیه مشترک حملات تروریستی را محکوم کردند. روس‌ها از همکاری نزدیکتر با ایالات متحده انتظارات بسیاری داشتند.

پاسخ قاطع، حمایت همه‌جانبه روسیه از واکنش آمریکا بود. بزودی آشکار شد که روسیه به واسطه مخالفت بسیار در داخل به‌طور مستقیم در عملیات نظامی در افغانستان با سربازان آمریکا مشارکت نخواهد کرد. همچنین، بین واحدهای نظامی روسیه مخالفت جدی با همراهی با ایالات متحده در جهت استفاده از کشورهای آسیای مرکزی مطرح بود. در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱، سرگئی ایوانف وزیر دفاع روسیه اعلام کرد: «آسیای مرکزی در منطقه‌ای است که پیمان امنیت دسته‌جمعی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع آن را شامل می‌شود. من دلیلی نمی‌بینم که احیاناً به هر دلیلی، ناتو در نقش عامل عملیات در کشورهای آسیای مرکزی که اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع محسوب می‌گردند عمل نماید».^(۶)

کشورهای آسیای مرکزی علاقمند به همکاری با آمریکا بودند. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۱، عبدالعزیز کاملف وزیر خارجه ازبکستان اعلام کرد که مایل به هرگونه همکاری با آمریکا برای مبارزه علیه تروریسم (از جمله استفاده از خاک ازبکستان برای حمله به اردوگاه‌های تروریستی در افغانستان) می‌باشد.^(۷) وی همکاری با آمریکا را متذکر شد و مشاوره با مسکو را تأیید کرد.^(۸)

در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۱ پوتین اعلام کرد که روسیه و متحدانش در آسیای مرکزی به آمریکا و متحدانش اجازه استفاده از کریدورهای هوایی و فرودگاههای خود را (جهت گروههای اطلاعاتی و امدادگر) می دهند ولی آنان نباید جهت عملیات نظامی از آنها استفاده کنند. سرگئی ایوانف، وزیر دفاع روسیه، در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱ تأیید کرد که روسیه و کشورهای آسیای مرکزی کریدورهای هوایی خود را جهت استفاده آمریکا بازگذاشته اند و فرودگاههای خود را در معرض استفاده آنها قرار داده اند. بیانیه های صادره حاصل مشورت های فشرده مسئولان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی بود.^(۹) وقتی که نخست وزیران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ گردهم آمدند آنها این دیدگاه پوتین را رد کردند. اگرچه پوتین در اظهارات خود در تاریخ ۲۴ سپتامبر فقط عملیات اطلاعاتی، انساندوستانه و امداد را نام برد و به وضوح ذکر کرد که هیچ عملیات تهاجمی نباید از این کشورها صورت گیرد ولی لحن گفتار وی احساساتی بود. قبلاً نظامیان آمریکا در تمرینات نظامی با کشورهای آسیای مرکزی در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح ناتو شرکت کرده بودند. اما این مورد کاملاً متفاوت بود. در گذشته، مسکو همیشه سیاستی را متفاوت از سیاستش در قبال غرب در آسیای مرکزی اعمال می کرد چرا که آسیای مرکزی به عنوان فضای منافع روسیه ملاحظه گردیده و قدرتهای خارجی می بایست در بیرون آن متوقف گردند.

اکنون که پوتین دستور کار سال ۱۹۹۹ خود را در مورد قلمرو سابق شوروی بسط داد آسیای مرکزی بخشی از دستور کار غربی پوتین به حساب آمد.

پوتین و همکاری امنیتی چندجانبه

پوتین از آمریکا انتظار داشت که ساختارهای امنیتی به رهبری روسیه چون CST برای هماهنگی با اقدامات ضد تروریستی در آسیای مرکزی را مورد استفاده قرار دهد که این انتظار به یأس مبدل شد. در عوض، آمریکا خود به طور مستقیم پیوندها و ارتباط هایی با ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان برقرار نمود. وقتی که بمباران افغانستان در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ آغاز شد به وضوح معمای جدیدی برای سیاست خارجی روسیه مطرح شد. نه CIS و نه CST هیچ کدام

نقش مستقیمی در ائتلاف ضد تروریستی به رهبری آمریکا نداشتند.

علاوه بر آن، به موازات افزایش حضور آمریکا در آسیای مرکزی، روسیه تلاشهایش را جهت توسعه همکاری چندجانبه در چارچوب CST در موضوع مبارزه با تروریسم تداوم بخشید. مباحث اجلاسهای CST شامل وضعیت جدید بعد از ۱۱ سپتامبر و نتایجش برای حوزه مسئولیت CST، نقش روسیه در مبارزه جهانی ضد تروریستی و هماهنگی کشورهای عضو CST در ائتلاف به رهبری آمریکا بود.^(۱۰)

به ابتکار تاجیکستان، در روزهای ۸ و ۹ اکتبر ۲۰۰۱ یک اجلاس فوق العاده از کمیته وزیران شورای امنیت ملی CST جهت بحث در مورد وضعیت جدید در آسیای مرکزی و اقدامات مشترک جهت مقابله با تروریسم بین الملل و افراط گرایی مذهبی در دوشنبه برپا گشت.^(۱۱) اعلامیه نهایی اجلاس هدف طرح CST به عنوان بخشی از اقدامات بین المللی به رهبری آمریکا را منعکس کرد به صورتی که کشورهای آسیای مرکزی به رهیافت مشترک CST متمسک شده و همزمان با آمریکا و متحدانش همکاری کنند. مشارکت با نیروی واکنش سریع CST ادامه پیدا کرد اگر چه تأسیس حقیقی آن تا سال ۲۰۰۲ طول کشید. مرکز مطالعات ضد تروریستی CIS در مسکو مشکلاتی در ارتباط با اجرایی بودن داشت. مزیت اصلی روسیه برای کشورهای آسیای مرکزی قادر ساختن آنها برای ورود به همکاری امنیتی، قیمتهای نازل سلاحها و تجهیزات نظامی بود.^(۱۲)

به موازات بمباران افغانستان، حضور نظامی آمریکا در ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان افزایش پیدا کرد و نگرانی روسیه نیز فزونی پیدا نمود. هیأت‌های نمایندگی آمریکا در اوایل ۲۰۰۲ از کشورهای آسیای مرکزی دیدن کردند. دیدارهای نمایندگان کنگره آمریکا و فرماندهی مرکزی نیروهای مسلح آمریکا دلالت داشتند بر این که منافع روبه گسترش ایالات متحده در کمک نظامی و اقتصادی است. روسیه نمایندگان حکومتی را به منظور گفتگو راجع به شرایط روز به کشورهای آسیای مرکزی اعزام نمود. در اوایل ژانویه ایگور ایوانوف به ترکمنستان رفت، وی اچسلاو تروبنیکف به قرقیزستان و قزاقستان سفر کرد. همچنین، ژنرال کنسانتین توتسکی رئیس اداره مرزی فدرال روسیه و گنادی سلزنیف سخنگوی دوما ی روسیه در رأس یک

هیأت نمایندگی روسیه از دوشنبه دیدار کردند. در حالی که نمایندگان رسمی روسیه فقط تکرار می‌کردند که حضور نظامی روسیه را به طور موقت انتظار دارند سلازنیف به صراحت تأکید داشت که افزایش حضور نظامی روسیه در تاجیکستان ضروری است. اظهارات وی بیشتر عکس‌العملی از وجهه کل نخبگان سیاسی روسیه بود تا طرحی از دولت روسیه در حالی که دوما تأثیر جدی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی روسیه ندارد.

پس از آنکه نشست فوق‌العاده رهبران CIS در اول مارس ۲۰۰۲ (اولین نشست رهبران پس از ۱۱ سپتامبر) برگزار شد روسیه رهیافت جدیدی نسبت به حضور آمریکا در منطقه اختیار کرد. موضوع این نشست فوق‌العاده عملیات نظامی آمریکا در افغانستان و حضور نظامی این کشور در آسیای مرکزی بود. فضای جدید پیچیده بود وقتی که ولادیمیر پوتین اعلام کرد که درباره حضور نظامی آمریکا در گرجستان و آسیای مرکزی نباید نگران بود. «این یک تراژدی نیست (حضور نظامی احتمالی آمریکا در گرجستان) و نمی‌تواند باشد. چرا حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی ممکن است ولی در گرجستان قابل قبول نیست؟»^(۱۳)

این موضوع دوباره در اجلاس CST در ماه مه تکرار شد وقتی که مجمع عمومی شورای امنیت دسته‌جمعی برپاگشت و والرئ نیکولانکو^۱ اعلام کرد که حضور سربازان ناتو در خاک شوروی سابق در معادلات مبارزه ضد تروریستی مشترک منطقی می‌باشد.^(۱۴) روسیه خود را با شرایط جدید در آسیای مرکزی وفق می‌داد.

هنوز روسیه تلاش دارد که CST را گسترش دهد. در دهمین سال تشکیل CST در ماه مه ۲۰۰۲، شش کشور عضو در یک اعلامیه مشترک، جهت ارتقای موقعیت سازمان سازماندهی مجدد و تشکیلات آن را مورد تأکید قرار دادند و نیز خواستار شناسایی رسمی بین‌المللی به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای بر طبق فصل ۱۳ منشور سازمان ملل شدند.^(۱۵) وظایف CST نه صرفاً در قبال تهدیدات خارجی محدود می‌شد بلکه همچنین دفاع در مقابل تهدیدات جدید نسبت به امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی چون تروریسم، حمل‌ونقل مواد مخدر و قاچاق اسلحه و سازماندهی جنایات را شامل می‌شد. اعلامیه مشترک، CST را به عنوان هماهنگ‌کننده

مکانیزم سیاستهای خارجی و نظامی دولتهای عضو و نیز روابطشان با دنیای خارج معرفی می‌نماید؛ همچنین تأکید می‌کند که روابط نظامی - سیاسی بین کشورهای عضو بر روابط با کشورهای غیر عضو اولویت دارد. (۱۶)

هدف سازمان مزبور بسط CST و تبدیل آن به یک شریک بالقوه برای غرب در حالی که همزمان از کشورهای آسیای مرکزی حمایت می‌نمایند. وادیم لوکو سفیر روسیه این موقعیت را در یک جمله توضیح می‌دهد و اظهار می‌دارد که غرب باید CST را به عنوان یک شریک جهت همکاری در آسیای مرکزی بپذیرد: «دوره عملیات ضد تروریستی در افغانستان این بهانه را برای غرب فراهم کرده است که نگاهی دوباره به ساختارهای امنیتی منطقه‌ای داشته باشد تا در مبارزه ضد تروریستی موفق بوده و کوششهایش جهت ثبات آسیای مرکزی و مناطق همجوار با کامیابی همراه باشد. با در نظر داشتن پیمان امنیتی دسته‌جمعی و سازمان همکاری شانگهای، عملیات ضد تروریستی جاری ثابت کرده که به منفعت غرب نیست که ساختارهای امنیتی بنا نهاده شده در اتحاد شوروی سابق را نادیده انگارد. آنها جداً مطرح شده‌اند و به عنوان شرکای بالقوه مفید مورد توجه می‌باشند». (۱۷)

هنوز نه آمریکا و نه ناتو مایل به توسعه تماسهای سازمانی با CST نیستند. کشورهای آسیای مرکزی، در تماس دوجانبه با کشورهای اروپایی به‌طور مستقیم عمل کردند.

پوتین و فاکتور ازبک

در اواخر مه ۲۰۰۱ به نظر می‌رسید ازبکستان به لحاظ ترس از حملات بیشتر رزمندگان جنبش اسلامی ازبکستان به روسیه نزدیک شده بود. علاوه بر این، ازبکستان از فرصت به دست آمده بعد از ۱۱ سپتامبر استفاده نموده و به روسیه و دیگر کشورهای منطقه (در ارائه تسهیلاتی فرودگاهی به آمریکا) پیوست. در ۱۲ اکتبر، آمریکا در یک بیانیه مشترک با رئیس جمهور اسلام‌گرایم اف تضمین‌های امنیتی ازبکستان را بسط داد. ازبکستان پس از ۱۱ سپتامبر از روسیه بیشتر فاصله گرفت و روسیه تمامی ابزارهای نفوذ و استفاده از فاکتور ازبک را از دست داد. در اواخر دسامبر ۲۰۰۱، روند عادی شدن روابط تاجیکستان و ازبکستان به آرامی

صورت گرفت. این نشانه خوبی بود چون تاجیکستان از سیاست ازبکستان در مورد ایزوله نمودن تاجیکستان صدمه دیده بود. در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۱ رؤسای جمهوری دو کشور، کریم‌اف و رحمان‌اف، یکدیگر را در تاشکند ملاقات کردند. این ملاقات باعث از سرگیری فعالیت کمیسیون دولتی تاجیک - ازبک شد و در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲، هنگام بازدید نخست‌وزیر تاجیکستان آکیل آکیلف از تاشکند، چندین موافقتنامه امضا شد. یکی از آنها مربوط به بازگشایی گذرگاه‌های مرزی مشترک بود.^(۱۸) در اوت ۲۰۰۲، نخست‌وزیران ازبکستان و تاجیکستان پروتکل‌ها و موافقتنامه‌هایی را در ارتباط با خط آهن، پخش برنامه‌های تلویزیونی، بدهی تاجیکستان به ازبکستان، چگونگی بازرسی مرزی و تحدید حدود مرزها امضا نمودند.^(۱۹)

موافقتنامه‌ها مبنی بر بازگشایی تمامی گذرگاه‌های خطوط مرزی بود اما بیشتر آنها همچنان بسته ماندند. دلسردی جدی در رابطه با روند آرام عادی شدن روابط دو کشور ازبکستان و تاجیکستان در یک مقاله در روزنامه تاجیکی بیزنس پولیتیکا^۱ منعکس شده محافل معینی را به جاه‌طلبی‌های هژمونیک ازبکستان در آسیای مرکزی متهم نموده است؛ همچنین، ازبکستان را در مورد مین‌گذاری مرزها، رفتار خشن مسئولان ازبک با مسافران ترانزیت تاجیک و یک نوع تروریسم با ابزارهای منطقه‌ای و در مقیاس منطقه‌ای سرزنش کرده است.^(۲۰)

بنابه نظر بسیاری از مفسران تاجیکستان طی بهار ۲۰۰۲، حضور آمریکا باعث گرایش کریم‌اف به انعقاد موافقتنامه‌هایی با تاجیکستان شد. اکنون آمریکا به عنوان تنظیم‌کننده روابط دوجانبه در منطقه محسوب می‌گردد. روابط تاجیکستان و ازبکستان به انگیزه چارچوب همکاری فراهم شده از طرف یک بازیگر خارجی یعنی آمریکا ارتقا پیدا کرده است.

ازبکستان تهدید از طرف IMU را مورد استناد قرار می‌داد وقتی که از سیاستش در قبال تاجیکستان دفاع می‌نمود. سقوط رژیم طالبان باعث شد که رزمندگان IMU حداقل به‌طور موقت از صحنه خارج شوند. ناراضی‌بیتی عمومی و روند رادیکالیزه شدن و افراط‌گرایی اسلامی در بخش ازبک‌نشین دره فرغانه کمک کرد تا عوامل داخلی که از بسط و توسعه افراط‌گرایی اسلامی حمایت کرده‌اند تا آینده‌ای مشخص در ازبکستان بمانند. حزب التحریر در حال کسب حمایت

است و مسئولان ازبک مجازات‌ها را شدت بخشیده‌اند.^(۲۱) برآوردهای محافظه کارانه از طرف گروه‌های حقوق بشری نشان از حدود ۷۰۰۰ نفر فعال دارد که اکثریت آنها از اعضای حزب التحریر در سه سال گذشته در زندان بوده‌اند.^(۲۲) اشتباهات در ازبکستان بسیار واضح و روشن هستند. اعضای حزب التحریر به واسطه عضویت در یک گروه ممنوعه یا توزیع جزوات ضدحکومتی مجرمند و اغلب به زندانهای ۱۰ تا ۲۵ سال محکوم شده‌اند.

افزایش حضور آمریکا در ازبکستان به این معنی است که وظیفه کنترل فاکتور ازبک در آسیای مرکزی به صورت دوفاکتو از طرف آمریکا شناخته شده بود. با دموکراتیزه کردن، رعایت حقوق بشر و اصلاحات برای ارتقای یک اقتصاد بازار بر مبنای دستور کار آمریکادر مورد ازبکستان، دولت آمریکا می‌بایست با مسئولان ازبک به‌طور موازی گام بردارد. روسیه قبلاً از هرگونه ابزاری جهت تأثیرگذاری بر فاکتور ازبک استفاده نموده است.

پوتین و فاکتور تاجیک

مشارکت تاجیکستان در ائتلاف ضد تروریستی به رهبری آمریکا

در حالی که تاجیکستان قبلاً فقط زیر تسلط روسیه بود شرایط بعد از ۱۱ سپتامبر زمینه را برای همکاری تاجیکستان و آمریکا فراهم نمود. تاجیکستان موافقت خود را با بازگذاشتن فضا و خاک خود جهت استفاده آمریکا در صورت لزوم اعلام کرد و دولت تاجیکستان تمامی سایتهای در دسترس را ارائه داده و به آمریکایی‌ها سپرد تا مورد استفاده قرار دهند. پس از یک مکالمه تلفنی بین پوتین و رحمان‌اف در ۱۵ اکتبر، حکومت تاجیکستان این امر را در ۸ اکتبر برای عموم اعلام نمود. در نیمه اکتبر وزیر امور خارجه تاجیکستان (طبلک نظراف) اعلام کرد که تاجیکستان «مخالفتی با فرماندهی نیروهای آمریکایی در کشور نمی‌نماید».^(۲۳) در ۳ نوامبر ۲۰۰۱ در دیدار وزیر دفاع آمریکا (دونالد رامسفیلد) از دوشنبه، تاجیکستان موافقت خود را با استفاده آمریکا از سه فرودگاه نظامی توسط ائتلاف به رهبری آمریکا اعلام کرد.^(۲۴) یک تیم ارزیابی آمریکا مشخص نمود که از سه فرودگاه (دوشنبه - کولاب - گورگان تپه) فقط فرودگاه دوشنبه برای سوخت‌گیری پروازهای هوایی قابل استفاده بود. طی دیدار رامسفیلد، رئیس جمهور رحمان‌اف

با تبادل منظم اطلاعات در مورد فعالیتهای تروریستی و ایجاد مناسبات پایدار نظامی بین آمریکا و تاجیکستان موافقت نمود. رامسفیلد اعلام کرد که تاجیکستان در مورد «عبور هواپیما از قلمرو فضایی اش، جمع‌آوری اطلاعات و انواع همکاری‌های نظامی» مساعدت می‌نماید. (۲۵)

ایالات متحده به تاجیکستان قول حمایت و کمک به تقویت امنیت مرزهایش را داد و در ۵ فوریه ۲۰۰۲ وقتی که یک هیأت نمایندگی از فرماندهی مرکزی نیروهای نظامی آمریکا از تاجیکستان بازدید کرد یک موافقتنامه‌ای دو جانبه امضا شد که به موجب آن آمریکا آموزش نیروهای نظامی مرزی تاجیک و فراهم کردن تجهیزات ارتباطی و تکنیکی برای آنان را متعهد گشت. بخشی از مشارکت تاجیکستان در ائتلاف ضد تروریستی به رهبری آمریکا، افزایش همکاری‌های اطلاعاتی به‌ویژه در مورد جنبشها، حوادث و ساکنان دو طرف مرز افغان-تاجیک را شامل می‌شود. نیروهای نظامی غربی زمینه مناسب همکاری‌های نظامی را برای موقعیت جدید تاجیکستان فراهم نموده‌اند اگرچه در ژوئن ۲۰۰۲، فقط ۵۰ نظامی آمریکایی در فرودگاه دوشنبه مشغول بودند و حدود ۱۰۰ نظامی فرانسوی در آئینی^۱ خدمت می‌کردند. همکاری تاجیکستان با آمریکا در تبادل اطلاعات و تسهیلات آمریکا در زمینه تجهیزات تکنیکی برای سربازان مرزی تاجیک و آموزش کارکنان، سازماندهی مرزی را تغییر نداد و روسها در این مورد مسئولیت اصلی را عهده‌دارند. کمک آمریکا اقدامی تدارکاتی برای آینده است وقتی که روسها دیگر نتوانند آن وظیفه را به عهده گیرند. حضور نظامی روسیه در طول مرز، اهمیت امنیتی آن را نشان داده و دولت روسیه برنامه‌ای را برای کاهش حضور نظامی خود در مرزهای تاجیکستان و افغانستان اعلام نکرده است. سربازان روسی در رده و مرتبه اول مرز تاجیک-افغان قرار دارند و آنها با مشکل کنترل مرز و ممانعت از حمل و نقل قاچاق مواد مخدر مواجهند.

در سایه عملیات نظامی در افغانستان، به واسطه توجه بین‌المللی به تاجیکستان، این کشور از افزایش کمک و حمایت از سازمانهای بین‌المللی و دولتهای خارجی بهره‌مند گردید. حضور بین‌المللی امید تازه‌ای را برای رشد اقتصادی کشور و ایجاد ثبات سیاسی قوت بخشید در حالی که شمار بسیاری از مشکلات اقتصادی همچنان حل نشده‌اند. توجه و همراهی بین‌المللی

1. Ainy

رحمان اف را برای کنترل شدید و کامل مرز تاجیک - افغان قادر ساخت. او کنترل خود را بر سربازان با ملیت تاجیکی افزایش داد وقتی که او ریاست و تمامی وظایف کمیته حفاظت از مرزهای دولتی را در ژانویه ۲۰۰۲ به دست آورد. در آوریل ۲۰۰۲، رئیس جمهور تاجیکستان در پارلمان این کشور اعلام داشت که او اصلاحاتی را در ساختارهای قدرت در کشور به زودی مطرح خواهد نمود.

مشکلات داخلی تاجیکستان

با وجود آن که فعالیت یک حزب سیاسی اسلامی در تاجیکستان، شور رادیکالیسم اسلامی را در این کشور کاهش داده ولی هنوز زمینه رشد اندیشه اسلامی وجود دارد. در جولای ۱۹۹۹ حزب رستاخیز اسلامی^۱ در تاجیکستان قانونی شد و اولین حزب سیاسی اسلامی قانونی در آسیای مرکزی محسوب می‌گشت. فعالان حزب رستاخیز اسلامی که با آمال نامتجانس به عنوان یک جنبش اسلام‌گرا جنگ داخلی را باعث شده بودند طی سالهای بعد راه تعادل و میانه‌روی در پیش گرفتند و پس از آن که این حزب قانونی شد به یک نیروی سیاسی محافظه‌کار مبدل گشت. سیدعبدالله نوری رئیس حزب رستاخیز اسلامی اغلب به مانند یک مقام دولتی عمل می‌کند تا یک رهبر اپوزیسیون. حزب رستاخیز اسلامی هرگز آن میزان که پنداشته می‌شد قدرت کسب ننمود. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹، این حزب فقط دو کرسی در مجلس شورا و حدود ۷٪ رأی کسب نمود. این حزب یک موقعیت تشریفاتی بین دیگر احزاب سیاسی دارد. حزب رستاخیز اسلامی تحت فشار قدرتها به ویژه قدرتمندان محلی بوده که مورد سوءظن نیز می‌باشد. این حزب تحت تهدید و فشار نیروهای خارجی یا میزان رأی طرفداران به حیات خود ادامه داد.

در ظاهر به نظر نمی‌رسد اسلام رادیکال‌گرایی غالب در تاجیکستان باشد ولی سه روند و سه‌گرایی که در آن جهت کار می‌کند را می‌توان شناخت. در حال حاضر، غیرمحمتمل است که کسی به استفاده از زور در مقابل دولت متوسل شود و در میان مردم خسته از جنگ تاجیک

1. The Islamic Revival Party (IRP)

حامی بیابد؛ خطر نارضایتی اجتماعی که سازمانهای افراطی را به چالش می‌کشد حس می‌گردد. یک روند در جریان اسلامی شدن ارزشها حاکم است و همان‌طور که گفته شد زمینه افراط‌گرایی آماده می‌باشد. ریشه‌های داخلی افراط‌گرایی اسلامی به‌ویژه در شمال تاجیکستان (بخشی از دره فرغانه) ملاحظه می‌گردد.

وقتی که مبارزه ضد تروریستی در پاییز ۲۰۰۱ شروع شد حزب رستاخیز اسلامی از این که شاید رئیس جمهور رحمان‌اف از فرصت استفاده کرده و به بهانه این که این حزب به طور غیرمستقیم از تروریسم حمایت می‌کند آن را غیرقانونی اعلام نماید نگران شد. اما این امر اتفاق نیفتاد. وی طی بهار ۲۰۰۲ به تهدید تروریسم و افراط‌گرایی اشاره نمود؛ اما همچنین اعلام کرد که تهدید ثبات داخلی ناشی از وضعیت عقب‌افتادگی اقتصادی و شرایط سخت اجتماعی - اقتصادی که اکثریت با آن شرایط زندگی می‌کنند می‌باشد. رحمان‌اف چندین بار در سال ۲۰۰۲ کشور را به بسیج علیه تروریسم و افراط‌گرایی فرا خواند.

رحمان‌اف به هیچ سازمانی به جز حزب التحریر اشاره نکرد. در آغاز آوریل ۲۰۰۲ سید عبدالله نوری گفت حزب التحریر تهدیدی جدی برای امنیت ملی است. او در مورد وضعیت جاری تاجیکستان گفت که سه عامل، صلح و ثبات در جمهوری را تهدید می‌کنند: الف) فعالیتهای حزب التحریر؛ ب) بحرانهای اقتصادی؛ ج) سلاحهای غیرقانونی و غیرقابل کنترل در دست مردم. (۲۶)

حزب التحریر در اواخر دهه ۱۹۹۰ به تاجیکستان آمد و تا آوریل ۲۰۰۲، ۱۰۸ عضو این حزب، فقط از ناحیهٔ سغد^۱ محکوم شده بودند (۲۷) اگرچه حزب التحریر طرفداران بیشتری در شمال دارد ولی چندین عضو این حزب در دوشنبه و جنوب نیز دستگیر شدند. با این که حزب التحریر حزب محدودی می‌باشد ولی سازمانی افراطی است که در تاجیکستان سربرترین رشد را داشته و مردم به لحاظ نشر و مطالعهٔ جزوات این حزب دائماً دستگیر شدند. طرفداران این حزب بیشتر از جوانان غیر تحصیلکرده و مردم بیکار بودند اما ایده‌اش ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای شریعت (یک خلیفه) در آسیای مرکزی بود که مردمان ناراضی مرزنشین را جذب

نموده بود. اگرچه این حزب برای مشکلات خاص منطقه راه حلی نداشت ولی به طور کلی طرح حکومت خلیفه گری را راه حلی منحصر به فرد جهت مشکلات موجود می دانست، خلیفه مسایل مرزی را حل کرده و شریعت، فساد و بی عدالتی اجتماعی را محو می کند. بر عکس جنبش اسلامی ازبکستان حزب التحریر استفاده از زور را مشروع نمی داند.

همراه با دیگر عوامل، نارضایتی عمومی و شرایط حاد اقتصادی - اجتماعی در ریشه های داخلی افراط گرایی اسلامی نهفته است. علت دیگر جذب مردم به حزب التحریر ناامیدی در میان پیروان حزب رستاخیز اسلامی بود. کسانی که عقیده دارند حزب وارد دستگاه حکومتی تاجیکستان شده و اهداف خود را جهت ایجاد حکومت اسلامی به فراموشی سپرده است. به واسطه اعمال محدودیت شدید از طرف قدرتمندان دولتی، محلی برای روحانیت رسمی اسلامی که مسایل کلی مذهبی و اجتماعی را بیان کند و برای مسلمانان در مورد مباحث روز سخنرانی نماید موجود نیست. نبود گفت و شنودها و مجالس اسلامی خلاء ایجاد نمود که بخشی از آن توسط حزب التحریر پُر شد.

در بهار ۲۰۰۲، صاحب منصبان حکومتی تلاشی را جهت افزایش کنترل نهادهای اسلامی آغاز کردند و طی آن ثبت تمامی مساجد دوباره در دستور کار قرار گرفت. ابتداء چندین مسجد کوچک بسته شدند. در پاسخ به تقاضای کمیته دولتی امور مذهبی، یک یورش گسترده جهت بررسی میزان دانش امامهای مساجد از مباحث مذهبی آغاز گشت و نیز قوانین دولتی در مورد امور مذهبی تدوین شدند. در تابستان ۲۰۰۲، ناحیه ايسفرا^۱ در دره فرغانه نزدیک مرز قرقیزستان و ازبکستان، توجه ویژه ای به خود جلب نمود هنگامی که معلوم شد سه فرد منتسب به طالبان دستگیر و به زندان گوانتانامو نزدیک کوبا اعزام شدند از ناحیه ايسفرا بودند. دوباره مساجد از جمله دو مسجد جامع در ناحیه ايسفرا بسته شدند. در ايسفرا شمار بسیاری مسجد وجود دارد. قانون برای مسجد جامع جمعه، ۱۵۰۰۰ نمازگزار معین نموده است. در جولای، چندین امام در ايسفرا به لحاظ عضویت در حزب رستاخیز اسلامی از مسئولیت در مساجد خلع شدند. ايسفرا همیشه دژی مستحکم برای اسلام محسوب می شد. انتقاد رئیس جمهور

1. Isfara

رحمان اف در ۱۳ جولای از حزب رستاخیز اسلامی و به ویژه اتهامش علیه بعضی از اعضا حزب رستاخیز اسلامی در ایسفرآشدیدترین انتقادی بود که او بر اپوزیسیون اسلامی از زمان امضای قرارداد صلح در ۱۹۹۷ مطرح ساخته بود.

این حوادث پیچیدگی وضعیت داخلی را پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نشان می‌دهد. قدرتمندان حکومتی تأکیده‌های بیشتری بر ارگانهای اجرایی قانونی داشته و مبارزه ضد تروریستی برای ضعیف نمودن و فراری دادن مخالفان و نیز پیشگیری از اقدامات تخریبی را در برنامه خود دارند. اگر کشورهای آسیای مرکزی در صدد مبارزه با افراط‌گرایی می‌باشند آنها باید نهادهای داخلی را گسترش داده و حقوق احزاب سیاسی را تضمین کرده به مانند حزب رستاخیز اسلامی که به یک نیروی سیاسی مفید در جامعه مبدل شده عمل نمایند. تاجیکستان به منظور قادر بودن به حمایت جامعه در قبال افراط‌گرایی و رادیکالیسم مثل ازبکستان نیاز به کمک و مساعدت دیگر کشورها دارد.

روابط اقتصادی روسیه و تاجیکستان

توسعه اقتصادی تاجیکستان مبحث کلیدی ثبات در آینده می‌باشد. دولت تاجیکستان سعی در رشد استراتژی جلب سرمایه‌گذارها و توسعه مبادلات اقتصادی با شرکای خارجی است. در این تصویر، مشکلات روسیه و بالنتیجه موانع کمک به تاجیکستان منجر به آشکار شدن چالشهای جدید می‌گردند. وقتی که روسیه در تاجیکستان حضور نظامی دارد حضور اقتصادی کم یا زیاد این کشور اهمیتی ندارد. مناسبات اقتصادی روسیه و تاجیکستان در سال ۲۰۰۲ کمی افزایش را نشان می‌دهد در حالی که هنوز سطح آن از سال ۱۹۹۱ همچنان نازل تر است. (۲۸)

سرمایه‌گذاری روسیه در تاجیکستان نیز غیر محسوس است. بر مبنای آمار کمیته دولتی فدراسیون روسیه، طی هشت ماه اول سال ۲۰۰۲، روسیه فقط ۴۰۰۰ دلار در تاجیکستان سرمایه‌گذاری کرد. (۲۹)

سیمایی دیگر از روابط سیاسی - اقتصادی تاجیکستان - روسیه وجود دارد که قابل مشاهده نیست. بر مبنای آمارهای غیررسمی، در حدود نیم میلیون نفر تاجیک به عنوان

«کارگران مهمان» در روسیه مشغول کارند. تشریک مساعی آنان در تولید ملی تاجیکستان بسیار قابل توجه است. مهاجرت نیروی کار کمک به خیزش اقتصادی تاجیکستان نمی‌نماید اما به بقای مردم کمک می‌کند. با حضور کارگران مهاجر در روسیه پیوندی حیاتی در روابط بین روسیه و تاجیکستان جریان دارد. بیش از ۹۰ درصد تاجیک‌ها به طور غیرقانونی در روسیه اقامت دارند و اغلب باعث تنشهایی در روابط دوجانبه می‌گردند. در حالی تاجیکستان عضو جامعه اقتصادی اوراسیا^۱ به رهبری روسیه می‌باشد این نهاد هنوز موقعیت اقتصادی خود را ارتقا نداده است. جامعه اقتصادی اوراسیا در حال تلاش برای تغییر موانع و سهمیه‌ها برای تجارت آزاد است و هنوز قادر به کمک به تاجیکستان برای توسعه اقتصادش نمی‌باشد.

به‌طور خلاصه، شرایط امنیتی در آسیای مرکزی بعد از ۱۱ سپتامبر تغییر نمود. تهدید داخلی اصلی از افغانستان برداشته شده است. یک روند عادی کردن روابط بین ازبکستان و تاجیکستان آغاز شده و در تاجیکستان کنترل حکومت مرکزی تحکیم گردیده است. تهدید ناشی از رادیکالیسم اسلامی داخلی کانالی برای ابراز ناراضیاتی عمومی می‌باشد. روسیه کمی نفوذ در افغانستان دارد و در ازبکستان صاحب هیچ نفوذی نیست. اگرچه روسیه مثل سابق در تاجیکستان حضور دارد ولی شرایط جدید چالشهایی را برای سیاست روسیه مطرح نمود.

۴. دورنمای آینده

پوتین به‌منظور پشتیبانی و تقویت کشورهای آسیای مرکزی در تشکل همکاری امنیتی به رهبری روسیه دستور کار مبارزه ضد تروریستی را صادر کرد که تلاشی مقتضی برای مواجهه با روند روبه‌تزايد مداخله خارجی در آسیای مرکزی و عکس‌العمل نسبت به تهدیدات امنیتی تلقی می‌گردد. در سپتامبر ۲۰۰۱ او دستور کار ضد تروریستی را به سیاستش در قبال غرب تعمیم داده و هماهنگی خود را با حضور نظامی آمریکا در تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان اعلام کرد. پوتین به ناچار به مرحله‌ای خواهد رسید که او یا باید به انتقادهایی که از وی می‌گردد توجه نماید و با نفوذ آمریکا در منطقه مقابله نماید و یا همکاری با آمریکا را توسعه بخشد. در این

1. The Eurasian Economic Community (EEC)

مقاله توضیح داده می‌شود که تحولات آسیای مرکزی و کاهش نفوذ روسیه عوامل تعیین‌کننده برای تصمیم‌گیری در آسیای مرکزی هستند و این که این عوامل روسیه را وادار به انتخاب دوم می‌نماید.

سیاست پوتین کوششی جهت کنترل قوای محرکه منطقه محسوب می‌شد که آبشخور آن افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان بود. سقوط طالبان قوای تحریک‌کننده در منطقه را ساکت ساخت. مشارکت کشورهای آسیای مرکزی در ائتلاف ضد تروریستی به رهبری آمریکا همکاری امنیتی به رهبری روسیه را در درجه دوم اهمیت قرار داد. به عنوان نتیجه تحولات در منطقه و به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ظرفیت روسیه برای نفوذ در تحولات آسیای مرکزی، در ازبکستان و تاجیکستان - بیشتر کاهش یافت.

آسیای مرکزی برای سالها منطقه‌ای فرّار و در تغییر دائم خواهد بود. وضعیت امنیتی نشان از ثبات روبه‌تزايد دارد اگرچه تحولات افغانستان قابل پیشگویی نیست. تهدید خارجی از افغانستان قبل از همه به شکل حمل و نقل موادمخدر مطرح است که پیوند نزدیک با تأمین مالی نظامیان تحت فرمان سرداران طوایف افغان دارد. روسیه برای ایفای نقش نوعدوستی در افغانستان آماده بوده و برای همکاری اقتصادی و نظامی با افغانستان که تاجیکستان نیز از آن بهره‌مند خواهد شد مهیا می‌باشد. نزدیکی روابط روسیه با تاجیکهای پنج‌شیر در افغانستان ممکن است به نفوذ معین این کشور در تحولات افغانستان منجر شود؛ اما آنها برای آن که نتایج منفی برای تاجیکستان دربرگیرند کافی نمی‌باشند چنانچه افغانستان دوباره گرفتار جنگ داخلی گردد. اگر شرایط وخیم‌تر گردد روسیه ابزارهای کمتری برای کمک به تاجیکستان در اختیار دارد.

به موازات آن که ازبکستان به اپوزیسیون اجازه رشد از راه‌های قانونی نداد مسئولان ازبک پیوسته از وابستگان جنبش اسلامی ازبکستان نگران و در هراسند. روابط با تاجیکستان با تنش ادامه یافته حتی اگر تاجیکستان کنترل مرزهایش را تقویت نماید.

شرایط جدید چالش‌های جدیدی را برای روسیه مطرح کرده که به‌طور مثال در مورد تاجیکستان، نزدیکترین همپیمان روسیه در آسیای مرکزی، به‌وقوع پیوسته است. در قبال

حضور نظامی وسیع روسیه در تاجیکستان روسیه ابزارهای کمی برای توسعه و ثبات تاجیکستان در اختیار دارد؛ مهمتر از همه حمایت از توسعه اقتصادی، نهادهای دموکراتیک و اجرای قانون می باشد. اگر روسیه در نظر دارد نفوذ خود را در تاجیکستان حفظ کند سیاست و روسیه باید کمتر به حضور نظامی تکیه نماید و بیشتر به حضور اقتصادی بپردازد. اقتصاد روسیه در حال بهبودی است و در آینده یک اقتصاد قوی تر روسیه را برای کشورهای آسیای مرکزی به عنوان شریکی جذاب و فعال مطرح خواهد کرد. تاجیکستان نیازمند کمک بین المللی است. پذیرش کامل مداخله آمریکا و غرب در تاجیکستان راه را برای همکاری وسیع بین المللی روسیه در آسیای مرکزی و واکنش به تهدیدها و چالشهای منطقه هموار نمود.

یادداشت‌ها

۱. لنا یانسن، روسیه و آسیای مرکزی: بحث تروریسم، مقاله ارائه شده به سی و سومین کنوانسیون ملی AAASS آرلینگتون، ویرجینیا، ۱۸-۱۵ نوامبر ۲۰۰۱.
۲. لنا جانسون، جنگ تاجیکستان: چالشی برای سیاست روسیه، مؤسسه سلطنتی امور بین الملل، لندن، ۱۹۹۸.
3. "Zasedaniya vyshykh organov SNG", *Diplomaticheskii vestnik*, No.7, July 2000, pp.47-48.
4. Valery Trubnikov, in: *Deplimaticheskii vestnik*, No.5, May 2001, p.125.
۵. *Jamestown Monitor* شماره ۲۳، ۱۰۰ مه ۲۰۰۱.
6. ORT Vremia Program, 14 September, 2001/ITAR - TASS, 14 September, 2001/ *Jamestown Monitor*, Issue 170, 18 September, 2001.
۷. *Jamestown Monitor* شماره ۱۷۰، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱.
۸. همان.
۹. ایگور ایوانف وزیر خارجه روسیه گفت: «رئیس جمهور پوتین در این مبحث با رهبران پنج کشور آسیای مرکزی به توافق رسیده، ایترفاکی، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱.
۱۰. برای مثال به گزارش اجلاس «پیمان امنیت دسته جمعی» مورخ ۲ اکتبر ۲۰۰۱ مراجعه شود.
11. "Konsultatsii polnomochnykh predstavitelei gosudarstv- uchastnikov dogovora o kolektivnoi bezopasnosti", *Diplomaticheskii vestnik*, No.11, November 2001, p.81.
۱۲. بنابه گزارش مارس ۲۰۰۲، اسناد سلاحها و تجهیزات به تصویب رسیده بودند، بنابه چندین دلیل سلاحی تحویل نشده بود. مراجعه شود به:

- "Nash Otvet Kerzonu", *Nezavisimaia Gazeta*, 23 March, 2002, p.5.
13. Vystuplenie V.V. Putina na sovместnoi press-konferentsiyei glav gosudarstv - uchastnikov SNG 1 marta", *Diplomaticeskii vestnik*, No.4, April 2002, p.65.
14. V. Panfilova and V. Georgiev, "Rossiia vozvrashchaet sebe rol pravoflangovogo", *Nezavisimaia gazeta*, 15 May, 2002, p.5.
15. "Sessiiia Soveta kollektivnoi bezopasnosti gosudarstv-uchastnikov Dogovora o Kollektivnoi bezopasnosti", *Diplomaticeskii vestnik*, No.6, June 2002, pp.76-78.
۱۶. همان.
۱۷. ولوکو. «نقش ضروری روسیه در مبارزه علیه تروریسم»، اینترنت‌ناشنال افوز، سال ۴۸، شماره ۱، ۲۰۰۲، ص ۵۹.
18. *Asia - Plus News Agency* (Dushanbe), 0606 GMT, 13 February, 2002, reported by BBC Worldwide Monitoring.
19. *Asia - Plus*, 27 August, 2002, 70 percent of the border has been demarcated so far.
20. I. Asadullaev, "O kornyakh terrorizma", *Biznes i politika*, 1 March 2002, pp.1-2.
21. Furkat Yakvalkhodjaev,
- او به عنوان یک روزنامه‌نگار مستقل در ازبکستان، رفتار و کنش‌های دولت ازبکستان را در قبال گروه‌های اسلامی رادیکال مطالعه نموده است. یا کارال‌خودجایف در یک مصاحبه با RFE/RL گفت که در واقع دستگیری‌های جمعی اعضای حزب‌التحریر بر آشکار بودن فعالیت‌های حزب‌التحریر اثر منفی داشته‌اند.
۲۲. اشانوا. «آسیای مرکزی: ازبکستان، قرقیزستان در رهیافت نسبت به حزب‌التحریر متفاوتند». *RFE/RL*.
۲۳. DPA. ۱۸ اکتبر ۲۰۰۱، *Jamestown Monitor* شماره ۲۰۴، ۶ نوامبر ۲۰۰۱.
۲۴. *Jamestown Monitor* شماره ۲۰۴، ۶ نوامبر ۲۰۰۱.
۲۵. آر.آر.خاچاتوریان، «نگاه آمریکا به سوی تاجیکستان»، اوراسیا‌ایشیاسایت، ۶ نوامبر ۲۰۰۱.
26. See: *Asia - Plus*, 5 April, 2002.
۲۷. آنها بنابه بندهای قانون جنایی که شامل تلاش برای مصادره قدرت از طریق زور، تلاش برای سقوط نظام قانونی، تحریک اختلاف ملی و مذهبی می‌باشد محکوم شدند.
۲۸. مبادلات اقتصادی دوجانبه در سال ۲۰۰۱ به ۳۳/۵ درصد سال ۲۰۰۰ سقوط کرد و به ۱۹۸ میلیون دلار رسید. *Asia - Plus* ۱۸ مارس ۲۰۰۲.
۲۹. مقایسه این رقم با ارزش سرمایه‌گذاری در قزاقستان به میزان ۳۶۴ میلیون دلار و ۰/۶ میلیون در ازبکستان قابل توجه است. *Varorud*، ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲.